

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتیوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش شصت و یکم

۰۴ دسمبر ۲۰۱۴

تعمیق تحولات اقتصادی و اجتماعی

رهنمود های پنجمین پلنوم کمیته مرکزی فوراً در قانون اساسی جمهوری توده ئی البانی که طرحش در آن موقع در معرض بررسی مردم گذاشته شده بود، منعکس گردید.

پس از پلنوم مرحله جدیدی از ملی کردن آغاز شد. مراکز برق، صنایع ساختمانی و تمام صنایع سبک و غذایی موجود که اکثراً به بورژوازی تعلق داشت، ملی گشت. در پایان ۱۹۴۶ وسائل عمده تولید در شهر ها به صورت مالکیت اجتماعی در آمد. سهم بخش دولتی ۸۷ درصد مجموعه تولید صنعتی بود. تا پایان ۱۹۴۷ تولید صنعت سرمایه داری خصوصی به کلی از میان برداشته شد.

اجتماعی شدن سوسیالیستی وسائل تولید به سلطه اقتصادی بورژوازی خاتمه داد و مبانی اقتصادی دیکتاتوری پرولتاریا را پی افکند. بر روی این مبانی بود که مالکیت اجتماعی، مناسبات سوسیالیستی تولید و بخش سوسیالیستی در صنعت، بازرگانی، حمل و نقل و امور مالی برپا شد. بنگاه های ملی شده به صورت بنگاه های سوسیالیستی در آمدند و استثمار انسان از انسان در آنها بر افتاد.

ملی کردن وسائل عمده تولید در البانی با آهنگ سریع و بدون پرداخت غرامت صورت گرفت. این امر نتیجه تمایزات عمیق طبقاتی بود که در دوران مبارزه رهاییبخش ملی و پس از آن وجود داشت و موجب نابودی سلطه سیاسی بورژوازی شد و به این طریق شرایط نابودی بنیاد اقتصادی وی نیز فراهم آمد.

ولی آهنگ سریع اجتماعی کردن، بدون برخی از دشواری ها حاصل نشد. طبقه کارگر و دولت البانی، وسائل تولید را در دست گرفته بودند بدون آن که برای تأمین سازماندهی و رهبری کامل آنها آمادگی لازم داشته باشند. کشور فاقد مهندسان و تکنیسین های آموخته و وفادار به انقلاب بود. معذک نظر به سازماندهی صحیح و تدارک وسیع زمینه

سیاسی در میان کارگران و همچنین نظر به نظارتی که دولت بر روی بنگاه های سرمایه داری برقرار کرده بود ملی کردن عملی شد بدون آن که موجب تزلزل و زیانمندی اقتصاد گردد.

بخش کنوپراتیوی به موازات بخش سوسیالیستی دولتی بر پا شد و رو به اعتلاء رفت. در طی سال ۱۹۴۶ دهها کنوپراتیو جدید مصرف در شهرها و کنوپراتیو خرید و فروش در روستا به وجود آمد. پیشه وران به ندای حزب پاسخ گفتند رهسپار راه کنوپراسیون سوسیالیستی شدند. در پایان ۱۹۴۶ کنوپراتیو های پیشه وری بر نیمی از مجموعه پیشه وران شامل می گشت.

برای تأمین نان اهالی، سیستم دولتی خرید، انبار داری، و فروش غلات از جون ۱۹۴۶ به موقع اجراء گذاشته شد و این امر باعث گردید که هر گونه احتکار در مورد نان مردم بر بازرگانان خصوصی غیر ممکن شود.

در جولای ۱۹۴۶ رفرم پولی انجام گرفت که حد اکثر مبلغی را که هر خانواده می توانست به اسکناس های جدید تبدیل کند معین می کرد. این اقدام موجب شد که بخش مهمی از منابع مالی عناصر سرمایه داری از دست آنها بیرون آید و عواقب سنگین تورم که بر دوش توده های زحمتکش سنگینی می کرد از میان برود.

سیستم جدید جیره بندی که در سپتمبر ۱۹۴۶ به موقع اجراء گذاشته شد توزیع عادلانه تر و منظم تر خوار و بار را تأمین کرد. سیستم مذکور برای کارگرانی که در مهمترین رشته های اقتصاد کار می کردند سهمی بیشتر از سایر اهالی مقرر می داشت و عیبش در آن بود که در امر تأمین خوار و بار بین کارگران و کارمندان از یک سو و عناصر سرمایه داری که برای دولت کار می کردند از سوی دیگر فرق نمی گذاشت.

در دورانی که موجودی خواربار کم بود بر قراری سیستم جیره بندی اقدام لازمی بود. این سیستم نیازمندی های اصلی توده های زحمتکش را بر آورده می ساخت و راه را بر احتکار مواد غذایی جیره بندی شده می بست. حزب سیستم جیره بندی را اقدامی موقتی م ی شمارد که می بایست همین که شرایط جدید اقتصادی اجازه دهد ملغی گردد.

ظهور و توسعه بخش سوسیالیستی باعث افزایش امکانات رهبری و سازماندهی طبق نقشه کلیه زندگی اقتصادی کشور شد و در عین حال رهبری و سازماندهی مذکور را ضروری گردانید. در اگست ۱۹۴۶ قانون مربوط به برنامه اقتصادی عمومی دولت و ارگان های برنامه گزاری به تصویب رسید. کمیسیون برنامه که در ۱۹۴۵ تشکیل شده بود تجدید سازمان یافت و برای تنظیم برنامه اقتصادی عمومی سال ۱۹۴۷ به کار پرداخت.

در مه ۱۹۴۶ قانون رفرم ارضی مورد اصلاحاتی قرار گرفت که مضمون انقلابی عمیق تری به آن بخشید. زمین ها، موزستان ها، زیتونستان ها، باغ های میوه، جالیز ها، ساختمان ها و افزار های کشاورزی متعلق به اشخاصی که خودشان زراعت نمی کردند همه مصادره شد. برای زارعان و مالکانی که خودشان زمین را زراعت می کردند مساحتی از زمین که نمی بایست بیش از ۵۰ هکتار باشد باقی گذاشته شد. فروش و رهن زمین به هر عنوان قدغن گردید.

اصلاحات مذکور اجرای کامل اصل «زمین مال کسی است که روی آن کار می کند» را تأمین کرد، مالکیت بزرگ ارضی را بر انداخت و بر موقعیت کولاک ها ضربه وارد آورد. این اقدامات موج جدیدی از شور و شوق در میان دهقانان زحمتکش بر انگیخت و آنها را فعالانه تر در اجرای رفرم ارضی شرکت داد.

از طرف دیگر، اصلاحات مذکور با مقاومت شدید طبقات استثمارگر روبه رو شد. مالکان بزرگ ارضی و کولاک ها به هر وسیله ای متوسل گشتند تا از اجرای رفرم ارضی جلوگیری کنند. آنها دهقانان را با تهدید وامی داشتند به این که از قبول زمینی که در اثر رفرم به آنان واگذار می شد خودداری ورزند. آنها دهقانان را به این شعار می ترساندند که «دولت البانی از طرف دولت های بزرگ به رسمیت شناخته خواهد شد و قدرت توده ئی به زودی سرنگون خواهد گشت». روحانیان مرتجع اعلام داشتند و تبلیغ کردند که «زمین مقدس است» و «هر که بدان دست بزند به عذاب خدا

گرفتار خواهد آمد». به ویژه عده ای از تکنیسین های بورژوا و عناصر طبقات سرنگون شده که در کمیته های دهقانان تهیدست، در دستگاه دولت و در ارگان های کشاورزی رخنه کرده بودند به فعالیت دشمنانه ای دست زده می کوشیدند که بهترین زمین ها و یا زمین هایی بیش از حد نصاب قانونی برای مالکان بزرگ ارضی و کولاک ها باقی گذارند. مالکان ثروتمند به سر بریدن دام های کاری و خراب کردن افزار های کشاورزی که می بایست به دهقانان داده شود مبادرت جستند و در بعضی از موارد به ارتکاب اعمال واقعاً تروریستی علیه فعالان حزب و دولت دست زدند. این ها در عملیات خود مستقیماً از طرف هیأت های نمایندگی امریکا و انگلستان در تیرانا که به سازمان دادن خرابکاری در رفرم ارضی، به ویژه در میزک، مشغول بودند پشتیبانی می شدند.

سراسر حزب با بر انگیختن توده های دهقانان فقیر و سازمان دادن مبارزه شدید به ضد دشمن طبقاتی، برای تأمین اجرای کامل رفرم ارضی به حرکت در آمد. زحمتکشان شهر به کمک دهقانان شتافتند. در نومبر ۱۹۴۶ رفرم ارضی در سراسر کشور به خوبی به پایان رسید. دهقانان به صورت صاحبان واقعی زمینی در آمدند که آن را نسل اندر نسل کشته و با عرق جبین آب داده بودند. حزب، آرزوی دیرینه آنها را بر آورده بود.

در اثر رفرم ارضی، ۱۷۳۰۰۰ هکتار زمین، ۴۷۴۰۰۰ زیتونستان و ۶۰۰۰ دام کاری مصادره شد. قریب ۹۰ درصد مجموعه اراضی مصادره شده (۱۵۵۰۰۰ هکتار)، نصف زیتونستان ها و کلیه دام های کاری بین ۷۰۰۰۰ خانوار دهقان بی زمین یا کم زمین به رایگان تقسیم گشت.

رفرم ارضی، نخستین انقلاب در مناسبات اقتصادی و اجتماعی روستا ها بود. جوهر رفرم ارضی عبارت بود از تحول دموکراتیک مناسبات ارضی در مناطق روستائی. رفرم مذکور مالکیت بزرگ ارضی را بر انداخت، بقایای فئودالیسم و طبقه مالکان بزرگ ارضی را برای همیشه زدود. تحدید مالکیت خصوصی ارضی، قدغن کردن فروش، اجاره و رهن زمین، از تدابیری بود که جلوی قشر بندی دهقانان را به دو قطب مخالف می گرفت و از میزان استثمار آنها به دست کولاکان، به حداکثر می کاست. از این حیث رفرم ارضی مشتمل بر عناصری با خصلت بارز ضد سرمایه داری نیز بود زیرا که به وسیله دیکتاتوری پرولتاریا عملی می شد.

در چنین شرایطی، رفرم ارضی در عین حال که مالکیت خصوصی کوچک دهقانی را که کشت و کار کننده زمین خود بودند حفظ می کرد و تعداد دهقانان میانه حال را افزایش می داد از امکانات رشد سرمایه داری در روستا ها می کاست.

واگذاری زمین به دهقانان و رهائی آنها از یوغ مالکان بزرگ ارضی و بازرگانان باعث شد که روستائیان در بهره برداری بهتر از زمین، در رشد سریع تر نیرو های تولید کشاورزی ذینفع گردند.

اجرای رفرم ارضی نشان داد که فقط طبقه کارگر و حزب وی قادر است که از تسخیر قدرت سیاسی به تحولات ریشه نی در مناسبات ارضی تحقق بخشد.

رفرم ارضی، اتحاد طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش را بر مبانی اقتصادی، باز هم استوارتر گردانید و قدرت توده نی را که بر این اتحاد قرار داشت نیز تقویت کرد. دهقانان تهیدست و میانه حال تنگ تر به دور حزب گرد آمدند و به صحت مشی سیاسی او عمیق تر ایمان آوردند. حزب در میان آنها پایگاه بسیار مهمی یافت تا در راه تحول تدریجی و سوسیالیستی روستا گام بر دارد. فعالیت حزب کمونیست البانی در اشاعه افکار جمعی کردن کشاورزی در میان دهقانان با تشکیل کنوپراتیو های تولید که از ۱۹۴۶ آغاز شد و اولین آنها در کروئتزه در ناحیه میزک بود ثمرات خود را به بار آورد.

تحولات اقتصادی و اجتماعی، شرایط نوینی به وجود آورد که رشد انقلاب فرهنگی را آسان می ساخت و در عین حال تحقق وظائف جدید انقلاب سوسیالیستی مستلزم آن بود که انقلاب فرهنگی مذکور سریعاً عملی شود. انقلاب فرهنگی،

نخست به وسیلهٔ فرم آموزشی اگست ۱۹۴۶ بر پا شد. به موجب فرم مذکور، آموزش می‌بایست همگانی، رایگان، غیر مذهبی باشد و به زبان مادری صورت گیرد. مدرسه به صورت مؤسسهٔ واحدی در آمد که کاملاً تابع دولت بود. حقوق نام نویسی در مؤسسات آموزشی ملغی شد. تعلیمات ابتدائی در سراسر جمهوری اجباری گردید. سیستم تربیت پیش از مدرسه و آموزش حرفه‌ئی و آموزش برای جوانان به وجود آمد. طرح‌ها و برنامه‌ها و کتاب‌های درسی جدیدی با مضمون تازه تنظیم شد و مدارس ابتدائی در هر شهر افتتاح یافت. در عین حال مبارزه برای بر انداختن بیسوادی توسعه پذیرفت.

یکی از مسائل اساسی که انقلاب فرهنگی و به طور کلی انقلاب سوسیالیستی می‌بایست حل کند مسألهٔ آفرینش روشنفکران نوین بود. حل این مسأله به همان علت تعداد روشنفکران البانی اهمیت حیاتی داشت. پس عدهٔ کثیری از فرزندان خلق برای ادامهٔ تحصیلات عالی به خارج و به ویژه اتحاد شوروی فرستاده شدند. دولت با وجود مشکلات مالی فراوان، شرایط مناسب کار و فعالیت خلاق و زندگی برای کارشناسان فراهم آورد. کار سازنده و آموزندهٔ حزب و مساعدت بیدریغ او امکان داد که بسیاری از کادر های سابق تجدید تربیت شوند، ایدئولوژی مارکسیستی – لنینیستی را فرا گیرند و نقش رهبری حزب را بپذیرند.

تحولات نوین سوسیالیستی در زمینهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همراه بود با تصفیهٔ ارگان‌های قدرت توده‌ئی و سازمان‌های جبههٔ دموکراتیک از عناصر دشمن. به ویژه انتخابات جدید شورا های توده‌ئی و ارگان‌های رهبری جبهه به این امر کمک کرد.

قانون خاصی، حقوق و اختیارات ارگان‌های محلی قدرت توده‌ئی را توسعه داد و کمیسیون بازرسی دولتی را به وجود آورد. این کمیسیون می‌بایست امکان دهد که نظارت توده‌ئی زحمتکشان بر ارگان‌های دولتی و فعالیت آنها افزایش یابد.

اقدامات انقلابی جدید باعث بهبود ترکیب اجتماعی جبههٔ دموکراتیک شد. اینک جبههٔ مذکور فقط سازمان سیاسی توده‌های زحمتکش بود.

تحولات سوسیالیستی و شور و شوق انقلابی توده‌ها امکان داد که مؤسسات مهم ویران شدهٔ زمان جنگ در طی سال ۱۹۴۶ از نو ساخته شود. در پایان آن سال تولید در کشاورزی و صنعت به سطح ۱۹۳۸ رسید. به علاوه، ساختن مؤسسات جدید با تکیهٔ اساسی بر کار داوطلبانه آغاز گشت. مرداب مالیک خشکانیده شد و کاریزهای جدید به منظور خشکاندن حفر شد. در میان شور و شوقی که برای نو سازی کشور در گرفته بود ابتکار و فعالیت خلاق توده‌های زحمتکش به اعتلاء رسید، مسابقات سوسیالیستی ترتیب داده شد و نهضت کار ضربتی که مظهر بر خورد تازه ای نسبت به کار بود، به وجود آمد.

ادامه دارد...